

The Role of the “Banu Amir bin Lu’ay” in the Formation and Consolidation of the Succession of the Early Caliphs Based on Ancient Texts of Both Sects *

Research Article

Emamatpajouhi,
Twelfth year, vol .2
autumn & winter 2023
DOI:10.22034/
jep.2021.241889.1212
jep.emamat.ir



Ebrahim Rezai Kaliri¹

Abstract

After the passing of the Messenger of God (peace be upon him), the first model of selecting a caliph emerged without reliance on divine text. The proponents of this theory faced numerous challenges and oppositions, and to establish it, they required the economic, military, political, and cultural power of the Quraysh, one branch of which was “Banu Amir bin Lu’ay.” This paper, relying on ancient historical and hadith sources from both Shia and Sunni perspectives and utilizing a descriptive-analytical method, aims to elucidate the dimensions of influence of this branch of Quraysh in the formation and consolidation of the succession of the early caliphs. The research findings indicate that this branch, due to their living conditions in the deserts, possessed a high spirit of warfare and military capability. Their large population and kinship ties with the tribes of Taym, Adi, and Banu Umayyah provided a suitable background for their military and political engagement. Their economic, scientific, and cultural conditions were not such that they could play significant roles in these areas. They were primarily powerful soldiers and military commanders who indirectly contributed to the economic aspects of the rule of the early caliphs. Although the deaths of many from Banu Amir in the 18th year of Hijra reduced their prominent presence during the time of Uthman ibn Affan and Muawiyah, the presence of powerful military figures during this period filled this gap, and their political presence was revived; however, this time they opposed the ruling faction and significantly assisted Muawiyah in political and military dimensions.

Keywords: Banu Amir bin Lu’ay, Quraysh, Succession of the Prophet (peace be upon him), Early Caliphs, Abdullah ibn Sa’d.

* Date of receipt: 15/05/2024, Date of acceptance: 11/08/2024.

1. Level 4 Shia Studies Scholar, Member of the Comparative History Research Group, Specialized Center of Ahlul Bayt (AS), e.r181359@gmail.com.

دور «بنو عامر بن لؤي» في تشكيل وتثبيت خلافة الخلفاء الأوائل بالاستناد إلى النصوص الفريقين*

ابراهيم رضايي كليري^١

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الثانية عشرة
العدد الثاني، الخريف
والشتاء سنة ٢٠٢٣

jep.emamat.ir



الخلاصة

بعد رحيل رسول الله ﷺ، ظهر أول نموذج لاختيار الخليفة دون الاعتماد على نص إلهي. واجه القائمون على هذه النظرية العديد من المشكلات والمعارضات، وكانوا بحاجة إلى القوة الاقتصادية والعسكرية والسياسية والثقافية لقريش، التي يُعتبر «بنو عامر بن لؤي» أحد بطونها. تسعى هذه الدراسة، بالاعتماد على المصادر التاريخية والحديثية القديمة لدى الشيعة وأهل السنة، ومن خلال منهج وصفي - تحليلي، إلى توضيح أبعاد تأثير هذا البطن من قريش في تشكيل وتثبيت خلافة الخلفاء الأوائل. تشير نتائج البحث إلى أنّ هذا البطن، بسبب ظروف الحياة في الصحراء، كان يتمتع بروح قتالية وقدرة عسكرية عالية. كما أنّ العدد الكبير لهم، والروابط النسبية مع قبائل تيم وعدي وبنو أمية، وفّر لهم أرضية مناسبة للدور العسكري والسياسي. لم تكن أوضاعهم الاقتصادية والعلمية والثقافية تسمح لهم بأداء دور بارز في هذه المجالات. كانوا في الغالب جنوداً وقادة عسكريين أقوياء، وكان لهم دور غير مباشر في الجانب الاقتصادي لحكم الخلفاء الأوائل. على الرغم من أنّ مقتل العديد من «بنو عامر» في السنة الثامنة عشر للهجرة قلّل من حضورهم البارز خلال فترة عثمان بن عفان ومعاوية، إلا أنّ وجود شخصيات عسكرية قوية في تلك الفترة قد سدّ هذه الفجوة وأعاد إحياء وجودهم السياسي؛ لكن هذه المرة واجهوا التيار الحاكم وساهموا بشكل كبير في الأبعاد السياسية والعسكرية لمعاوية.

الكلمات الرئيسية: بنو عامر بن لؤي، قريش، خلافة النبي ﷺ، الخلفاء الأوائل، عبد الله بن سعد.

* تاريخ التسلم ١٥ مايو ٢٠٢٤، تاريخ القبول: ١١ أغسطس ٢٠٢٤.

١. باحث في المستوى الرابع في علم الشيعة، عضو في المجموعة البحثية لتاريخ المقارن في المركز التخصصي للأئمة الأطهار (عليه السلام)، e.r181359@gmail.com.

نقش «بنوعامر بن لؤی» در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین با تکیه بر متون کهن فریقین*

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
امامت پژوهی، سال دوازدهم
شماره دوم، شماره پیاپی ۳۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صفحه ۲۶۷ - ۳۰۰

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.241889.1212



copyright© the authors

ابراهیم رضایی کلیری^۱

چکیده

پس از رحلت رسول خدا ﷺ نخستین الگوی انتخاب خلیفه بدون تکیه بر نص الهی پدیدار شد. دست‌اندرکاران این نظریه با مشکلات و مخالفت‌های فراوانی روبه‌رو بودند و برای تثبیت آن، نیازمند قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی قریش بودند که یکی از بطون آن، «بنوعامر بن لؤی» است. نوشتار پیش رو، با تکیه بر منابع کهن تاریخی و حدیثی شیعه و اهل سنت و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال تبیین ابعاد تأثیرگذاری این بطن قریش در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد این بطن به سبب شرایط زندگی در بیابان‌ها، از روحیه جنگاوری و توان نظامی بالایی برخوردار بودند. جمعیت زیاد، پیوندهای نسبی با قبایل تیم، عدی و بنی‌امیه، زمینه مناسبی برای نقش‌آفرینی نظامی و سیاسی آنان فراهم آورد. وضعیت اقتصادی، علمی و فرهنگی آنان نیز به گونه‌ای نبود که در این ابعاد ایفای نقش داشته باشند. آنان عمدتاً سربازان و فرماندهان نظامی قدرتمندی بودند که به‌طور غیرمستقیم، در بعد اقتصادی به حاکمیت خلفای نخستین ایفای نقش می‌کردند. هرچند کشته شدن بسیاری از بنوعامر در سال هجدهم هجری از حضور پررنگ آنان در دوران عثمان بن عفان و معاویه کاست، اما حضور شخصیت‌های قدرتمند نظامی در این دوران، این خلأ

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱.

۱. دانش‌پژوه سطح ۴ شیعه‌شناسی عضو گروه پژوهشی تاریخ مقارن مرکز تخصصی ائمه اطهار (ع)،

e.r181359@gmail.com

را بر کرد و حضور سیاسی آنان دوباره احیا شد؛ اما این بار آنان در مقابل جریان حاکم قرار گرفتند و در ابعاد سیاسی و نظامی، کمک فراوانی به معاویه کردند.

واژگان کلیدی: بنوعامر بن لؤی، قریش، جانشینی پیامبر ﷺ، خلفای نخستین، عبدالله بن سعد.

مقدمه

مهم‌ترین مسئله امت اسلام پس از رحلت رسول خدا ﷺ مسئله جانشینی آن حضرت بود. به باور شیعیان، درحالی‌که رسول خدا ﷺ جانشین خود را در زمان‌های متعدد و به مناسبت‌های مختلف معرفی کرده بود، خیلی زود این وصیت کنار گذاشته شد و در ماجرای سقیفه و پس از آن، خلافت رسول خدا ﷺ به مسیری دیگر جهت دهی گردید. ایجاد و تثبیت این الگوی جدید حکمرانی کار آسانی نبود و به کارگیری مؤلفه‌های فراوان اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی را طلب می‌کرد. از سویی، منافقان و غاصبان خلافت در زمان حیات رسول خدا ﷺ، به‌ویژه از زمان غدیر خم به مثابه آخرین اعلان عمومی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، فرصت و بستری برای اقدامات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... به صورت کلان نداشتند و در این فرصت کم، تنها مسئله نظامی و قهر و غلبه می‌توانست برای غصب خلافت مفید و کارساز باشد؛ لذا در این میان، قدرت نظامی قبیله «بنی‌عامر» از قریش (قبیله‌ای که رسول خدا ﷺ و خلفای پس از ایشان متعلق به آن بودند) برای شکل‌گیری، تثبیت و اجرایی کردن نقشه‌های شوم منافقان، اهمیت بسزایی داشت.

بنوعامر از فرزندان «عامر بن لؤی بن غالب بن فهر» بودند^۱ و عامر سه فرزند پسر به نام‌های حسل، معیص و عیص^۲ (عویص^۳ یا عویض^۴) داشت.^۵ از فرزند سوم نام و نشانی در کتب انساب وجود ندارد و نسل عامر از طریق حسل و معیص ادامه پیدا کرد که به آن‌ها «بنی‌حسل» و «بنی‌معیص» و به مجموع آن دو «بنوعامر بن لؤی» می‌گویند. زبیری در نسب قریش^۶، ابن‌سلام در کتاب النسب^۷، خلیفه بن خیاط در طبقات^۸

۱. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ۲۳۳/۱-۲۳۸.

۲. همان، ۳۲۰/۱.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۱/۱۱.

۴. زبیری، مصعب، نسب قریش، ص ۴۱۲.

۵. همان؛ ابن‌حزم، علی بن احمد، جمهرة أنساب العرب، ص ۱۶۶.

۶. زبیری، مصعب، نسب قریش، ص ۴۱۲.

۷. ابن‌سلام، قاسم، کتاب النسب، ص ۲۱۸.

۸. خلیفه بن خیاط، طبقات، ص ۶۳.

و یعقوبی در تاریخ^۱، بنوعامر را یکی از بطون قریش معرفی کرده‌اند. بنابراین، برای بررسی نقش قریش در هر مسئله‌ای، شایسته است نقش این قبیله در کنار سایر بطون منشعب از بنو غالب در نظر گرفته شود.

پژوهش پیش رو با تکیه بر منابع کهن شیعه و اهل سنت، با استخراج اسامی افراد این دو قبیله و تحقیق پیرامون زندگی و عملکرد آنان، و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که: بنوعامر بن لؤی در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی چه نقشی در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین، پس از رحلت رسول خدا ﷺ داشتند؟

پیشینه

گرچه تحقیقات تاریخی فراوانی پیرامون مسئله جانشینی نخستین انجام شده، اما تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی نقش بنوعامر بن لؤی در این مسئله اختصاص نیافته است. نزدیکترین پژوهش به مسئله این نوشتار، پایان‌نامه ارشد رشته تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان با عنوان «نقش بنی‌عامر قریش در تحولات اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام از آغاز تا سال ۱۳۲ هجری قمری» نوشته محمدعلی سمیعی در سال ۱۳۹۱ است. این پژوهش فقط در سیزده صفحه به بیان نقش بنی‌عامر در تحولات اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام بعد از رحلت رسول خدا ﷺ تا سال ۱۳۲ هجری پرداخته است.

مقاله علمی-پژوهشی «بررسی علل گروش و نگرش خاندان بنی‌عامر قریش به اسلام» نوشته اصغر منتظرالقائم و محمدعلی سمیعی و چاپ شده در مجله تاریخ اسلام در آیین پژوهش در سال ۱۳۹۱ شمسی نیز مستخرج از پایان‌نامه مزبور است. این مقاله به بررسی مواضع این قبیله نسبت به رسول خدا ﷺ و مسلمانان تا رحلت آن حضرت پرداخته و به نقش بنی‌عامر در دوران خلفا و نقش آنان در این برهه زمانی نپرداخته است و مسئله جانشینی، موضوع محوری آن نبوده است. از این رو، میان ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و... تفکیکی صورت پذیرفته، دوره‌های خلافت نخستین

۱. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ۲۳۳/۱-۲۳۸.

به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته، و بیان چگونگی و چرایی نقش‌آفرینی‌های اثباتی و سلبی آنان در مسئله جانشینی در این مقاله جایی نداشته است. بنابراین، نوشتار پیش رو برای نخستین بار به بررسی ابعاد مختلف نقش‌آفرینی این بطن در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین می‌پردازد، و تلاش دارد در حد امکان بر اساس گزارش‌های به‌جامانده، افزون بر توصیف، تبیین مناسبی از جنبه‌های مختلف این نقش‌آفرینی - به صورت اثباتی و سلبی - ارائه دهد.

۱. بنوعامر بن لؤی؛ از جاهلیت تا دوره نبوی ﷺ

پس از اقدامات قصی در اسکان بخشی قریش در اطراف کعبه، قریش به دو دسته «ظواهر» و «بطاح» تقسیم شدند. بطن‌هایی که در کنار کعبه سُکنی گزیدند «قریش بطاح» و سایر بطن که سکونت در بیابان‌های اطراف مکه را ترجیح دادند، «قریش ظواهر» نام گرفتند. بنوعبدمناف، بنوعبدالعزی و بنومخزوم از مهم‌ترین بطن قریش بطاح، و بنوحارث، بنومحارب، بنوتیم‌الأدرم از مشهورترین بطن قریش ظواهر هستند.^۱ بنابر دیدگاه یعقوبی^۲ و یاقوت حموی^۳، بنوعامر بن لؤی نیز از قریش ظواهر است؛ ولی برخی فقط شاخه بنومعیص از عامر بن لؤی را جزء ظواهر برشمرده‌اند.^۴ بنوحسل، شاخه دیگر بنوعامر بن لؤی نیز در ابتدا از ظواهر بودند؛ ولی بعدها به قریش بطاح پیوستند.^۵ پیمان بستن این قبیله با بنومحارب، یکی از قبایل معروف ظواهر، از شواهد جای گرفتن آنان در قریش ظواهر است و ازاین رو، به این دو قبیله «الاجریان» می‌گفتند.^۶

زندگی بیابان‌نشینی، در معرض هجوم و غارت سایر قبایل بودن، و دوری از فرهنگ و تمدن شهری، سبب نابسامانی اوضاع اقتصادی و پایین بودن سطح علمی

۱. کحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب، ۹۴۸/۳؛ ابن خلدون، محمد، تاریخ، ۳۳۴/۲.

۲. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ۲۴۰/۱.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، معجم البلدان، ۴۴۴/۱.

۴. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۵۸/۱؛ بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۳۹/۱.

۵. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۳۹/۱.

۶. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الأغانی، ۵۱/۵.

و فرهنگی قریشِ ظواهر بود؛ از این رو افراد این بطون، که بنوعامر نیز از آنان هستند، نه پیش از اسلام و نه در دوره اسلامی در ابعاد اقتصادی، علمی و فرهنگی نقش چندانی نداشتند و شخصیت مهمی از میان آنان ظهور نکرده است؛ اما روحیه و قدرت جنگاوری ناشی از شرایط خاص این نوع زندگی، خود را در حضور فعال بنوعامر در جنگ‌های فجار نمایان ساخته است.^۲ با ظهور اسلام و پس از آن در دوران خلفا نیز این قبیله در بُعد نظامی نقش آفرینی و تأثیرگذاری فراوانی داشته است.

پس از پایان دوران ریاست واحد بر همه بطون قریش توسط عبدمناف، هاشم، عبدالمطلب و حرب بن امیه، هر یک از بطون رئیس مستقلی داشته‌اند. در این دوره، ریاست بنوعامر را «عمرو بن عبدشمس»، پدر سهیل بن عمرو، بر عهده داشت^۳ و در جنگ‌های فجار نیز همو این بطن را رهبری می‌کرد.^۴

مقایسه شمار اسامی ذکر شده از بطون مختلف قریش در جدول زیر بر اساس اسامی برشمرده شده توسط مصعب زبیری از زمان فهر تا زمان پیامبر ﷺ، نشان می‌دهد بنوعامر بن لؤی را باید از بطون پرجمعیت قریش و در رتبه سوم در میان آنان دانست.^۵

بطن	مردم	آق	عالم	عادی	حارث	نوع	عبدالمطلب	سعد	نعمان	مطلب	مطلب
تعداد	۱۸۷	۱۷۰	۱۵۱	۱۲۱	۱۰۷	۷۶	۶۴	۵۲	۴۱	۳۶	۲۴

جدول ۱: شمار اسامی ذکر شده از قبایل قریش در کتاب نسب قریش (ساکنان مکه: ۱۲۸)

گزارش مرگ پنجاه نفر از مردان بنی عامر در حادثه‌ای نامعلوم که در برخی منابع گزارش شده است، اگر صحیح باشد، دلالت تامی بر پرجمعیت بودن این قبیله

۱. وات، مونتجمری، محمد فی مکه، ص ۱۸۳

۲. بغدادی، محمد بن حبیب، المنطق، ص ۱۷۷.

۳. همان، ص ۳۳۲.

۴. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۱۰۲/۱؛ بغدادی، محمد بن حبیب، المحبر، ص ۱۷۳.

۵. پیرمردیان، مصطفی و عزتی، مهدی، «ساکنان مکه (تأملی بر چگونگی ساکنان مکه و میزان جمعیت قریش در آستانه ظهور اسلام)»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۴/۱۲۸.

حتی در زمان‌های پیش از این دارد.^۱ بنابر نقل ابن حبیب بغدادی، برخی از مردان بنی عامر نیز در نبرد فجار به قتل رسیدند.^۲

با استخراج ازدواج‌های بنوعامر بن لؤی روشن می‌شود که بیشترین ارتباط سببی این قبیله با بنی امیه^۳ و در مرتبه بعدی با بنی مخزوم^۴ قریش صورت گرفته است؛ اما سکونت در بیرون مکه، مانع ازدواج آنان با قریش بطاح نبوده است؛ هرچند در مجموع، بیشتر این ازدواج‌ها با قبایل قوی و مشهور صورت پذیرفته است. با توجه به موضوع این نوشتار، تمرکز بر ازدواج‌های این دو بطن با قبایل خلفای نخستین، نکات قابل توجهی به دست می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق «سوده بنت زمعه» و «غزیه بنت دودان» با این قبیله ارتباط سببی دارد.^۵ مادر بزرگ حضرت زهرا علیها السلام و امام علی علیه السلام از طرف مادر نیز به ترتیب «فاطمه بنت زائده بن أصم»^۶ و «فاطمه بنت هرم بن رواحه» از این قبیله هستند.^۷ خلیفه اول نیز با «قتیله»، دختر سعد عامری، ازدواج کرده است و حاصل این ازدواج اسماء و عبدالله هستند.^۸ عبدالرحمن بن سهیل عامری نیز با «أم هشام»، دختر عبدالله بن عمر، ازدواج کرده است.^۹ جد پدری فاطمه بنت ولید بن عبدشمس، همسر عثمان بن عفان، یعنی

۱. فاکهی، محمد بن إسحاق، أخبار مکه، ۲/۲۴.

۲. بغدادی، محمد بن حبیب، المحبر، ص ۱۷۷.

۳. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۲۳۹/۸؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۳۰۴/۱۹؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۴۸/۴ و ۱۳۲/۲؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۳۰۹/۲؛ خلیفه بن خیاط، طبقات، ص ۶۳ و ۴۱.

۴. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۲۶۳/۸، ۶/۵، ۱۳۵/۴ و ۲۰۵؛ خلیفه بن خیاط، طبقات، ص ۴۲۵؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۳۰۰/۵؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۸۰/۶.

۵. بغدادی، محمد بن حبیب، المحبر، ص ۷۹ و ۸۱.

۶. همان، ص ۱۷۷.

۷. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۵۱/۸؛ هیثمی، علی، مجمع الزوائد، ۱۰۰/۹.

۸. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۵۳۲/۵؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۲۸۴/۸؛ زبیری، مصعب، نسب قریش، ص ۲۷۶.

۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الأغاني، ۲۸/۱۳.

«قبيلة بنت جحش» نیز از بنوعامر است.^۱ عثمان همچنين به خاطر ازدواج با «رمله بنت شيبه بن ربيعه» با اين قبيله ارتباط سببی دارد؛ چون مادر رمله، امّ شراک، از بنی عامر است.^۲ در سلسله نسب مادران معاوية بن ابی سفیان نیز دو نفر از بنوعامر بن لؤی قرار دارند.^۳ در سلسله نسب مادران معاوية، يعنى هند دختر عتبة بن ربيعه، نیز نام دو زن عامری دیده می‌شود.^۴

هم‌زمان با مبعوث شدن رسول خدا ﷺ چهارده نفر از افراد بنوعامر به ایشان گرایش پیدا کردند و از سابقین در اسلام به شمار می‌آیند.^۵

بنابر نقل ابن هشام، ده نفر از تازه‌مسلمانان عامری و یک نفر از حلفای آنان در هجرت به حبشه شرکت داشت.^۶ مسلمانان عامری در دوران مدنی و در نبردها در کنار سایر صحابه به ایفای نقش پرداخته‌اند.

البته در میان بنوعامر بن لؤی افرادی نیز بوده‌اند که از ابتدا به دشمنی با پیامبر ﷺ پرداختند و موجبات آزار ایشان و مسلمانان را فراهم آوردند (برای نمونه نک: شرح حال سهیل بن عمرو^۷ و شرح حال حویطب بن عبد‌العزی^۸). آنان در نبردها

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۸۰/۶.

۲. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۲۳۹/۸.

۳. طبرانی، سلیمان، المعجم الكبير، ۳۰۴/۱۹.

۴. همان.

۵. برای جلوگیری از زیاد شدن کلمات، از ذکر نام آنان خودداری شد.

۶. ابن هشام، عبد‌الملک بن هشام، السيرة النبوية، ۲۱۴/۱.

۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۱۶۹/۳؛ همو، السيرة النبوية، ۱۵۳/۲، طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۸۲/۲.

۸. ابن جوزی، عبد‌الرحمن بن علی، المنتظم، ۴۳/۳؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۲۰۱/۳؛ ابن هشام، عبد‌الملک بن هشام، السيرة النبوية، ۳۰۸/۲.

۹. ابن عبد‌البر، یوسف بن عبد‌الله، الاستيعاب، ۱۶۲۱/۴؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۴۰۵/۷؛ خلیفة بن خیاط، طبقات، ص ۶۳؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحيح، ۱۸۲/۳.

۱۰. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الكبير، ۴۴۸/۱۰؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۷۱/۳.

۱۱. طبرسی، حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۲۵۷/۶.

علیه رسول خدا ﷺ نیز نقش فعالی داشتند؛ برای نمونه، حویطب بن عبدالعزی سی صد دینار طلا^۱ و سهیل بن عمرو نیز پانصد دینار^۲ برای تقویت جنبه‌ی مشرکین قریش و ده شتر برای اطعام آنان در نبرد بدر در نظر گرفت.^۳ برخی از عامریان مانند شیبیه بن مالک^۴، عبید بن حجاز^۵ و عمرو بن عبدود^۶ نیز در این جنگ‌ها کشته شدند و سعد بن معاذ نیز به دست حبان بن قیس عامری کشته شد.^۹ صنعانی به نقل از قتاده، سهیل بن عمرو را یکی از مصادیق ائمه کفر در آیه شریفه «فَاتْلُوا أئِمَّةَ الْكُفْرِ» می‌داند.^{۱۰} در نهایت، پانزده تن از عامریان در فتح مکه، اسلام را اختیار کردند.^{۱۱}

۲. نقش بنوعامر بن لوی در خلافت ابوبکر (۱۱۳ق)

به خلافت رسیدن ابوبکر، نقطه‌ی عطفی در تاریخ صدر اسلام است؛ چراکه نخستین الگوی انتخاب خلیفه بدون تکیه بر نص الهی اجرا شد. با توجه به عدم سابقه این شکل از انتخاب رهبر در جامعه اسلامی و وجود مخالفان قدرتمندی چون انصار و بنو هاشم، شکل‌گیری و تثبیت این الگو نیاز جدی به مؤلفه‌های قدرت اقتصادی،

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۲۹۲/۱.

۲. کورانی، علی، جواهر التاريخ، ۲۰/۲.

۳. بغدادی، محمد بن حبيب، المنمق، ص ۱۶۲؛ همو، المحبر، ص ۳۸۹.

۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۱۹۷/۲.

۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۰۱/۳؛ بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۲۳/۱۱؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۶۹/۳؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ۳۰۸/۱.

۶. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۳۳۵/۱.

۷. ابن هشام، عبدالملك بن هشام، السيرة النبوية، ۶۴۱/۳.

۸. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ۴۷۱/۱؛ ابن هشام، عبدالملك بن هشام، السيرة النبوية، ۷۳۲/۳؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۲۴۰/۲.

۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ۲۵/۳.

۱۰. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن، ۲۰۰/۲.

۱۱. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۲۴۶/۴؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۱۷۱۹/۴؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۰۱/۳؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۴۰۷/۷؛ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ۷۲۰/۳.

نظامی، سیاسی و فرهنگی داشت و به‌طور طبیعی جریان حاکم که از قریش بود، ترجیح می‌داد از پتانسیل موجود در قبایل مختلف قریش بهره‌گیری کند. در ادامه، نقش قبیله بنوعامر بن لؤی در تأمین این مؤلفه‌ها در رخداد‌های مهم این دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۲. سقیفه و شکل‌گیری الگوی جان‌شینی انتخابی

مخالفت قریش با جان‌شینی علی بن ابی‌طالب علیه السلام از همان دوران زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله شکل گرفت.^۱ گزارش‌های برجای‌مانده نشان می‌دهد با توجه به توان اندک فرهنگی و اقتصادی بنوعامر در دوره جاهلیت و عصر نبوی و این‌که تنها هفتاد روز از غدیر تارحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله فاصله بود، امکان نقش‌آفرینی فرهنگی (مانند جعل حدیث، تخریب شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام و ایجاد جایگاه برای ابوبکر و عمر) و اقتصادی زیادی وجود نداشت. بنابراین در ماجرای سقیفه، بنوعامر بن لؤی نقش اقتصادی و فرهنگی نداشتند؛ بلکه آنان از نظر سیاسی و نظامی در شکل‌گیری سقیفه نقش داشتند. برخی منابع شیعی، نقش‌آفرینی سهیل بن عمرو در روز سقیفه را تحقق این برنامه از پیش تعیین شده دانسته‌اند.^۲ حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز شأن نزول آیه «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ...» را همین ماجرا می‌داند.^۳ پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله این مخالفت شکل علنی‌تری به خود گرفت. با مروری بر گزارش‌های ماجرای روز سقیفه، نقش محوری افرادی از عامریان را می‌توان به روشنی ردیابی کرد. به عنوان مهم‌ترین شخصیت باید دوباره از «سهیل بن عمرو» نام برد. سهیل با استفاده از جایگاه بالای اجتماعی و نفوذ خود، پس از به خلافت رسیدن ابوبکر نیز به دفاع جدی از او پرداخت. بنابر نقل ابن‌ابی‌الحدید، پس از پشیمانی انصار از بیعت با ابوبکر، سهیل بن عمرو عامری، شدیدترین قریش نسبت به انصار به خاطر به اسارت گرفتن او توسط انصار در بدر، با اشراف قریش جلسه‌ای تشکیل داد. او

۱. نک: مونس، حسین، تاریخ قریش؛ کورانی، علی، جواهر التاريخ.
۲. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم، ص ۱۵۴، ۱۶۱، ۲۰۳، ۲۶۹ و ۳۴۵.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۷۹/۸.

در این جلسه با پذیرش تمجید قرآن کریم از انصار و جایگاه والای آنان، تصریح کرد انصار حق ندارند دیگران را برای به دست گرفتن خلافت، به خود و علی بن ابی طالب فرابخوانند. انصار باید با ابوبکر تجدید بیعت کنند؛ در غیر این صورت، با آنان مقاتله خواهیم کرد.^۱ به نظر می‌رسد تهدید انصار توسط سهیل بن عمرو به عنوان یک شخصیت نظامی و البته در نظر گرفتن افرادی که در پشت صحنه گوش به فرمان او بودند، نقش مؤثری در عدم مخالفت انصار با ابوبکر داشت. علاوه بر این، این نکته نیز قابل توجه است که در میان بیش از ۶۵ صحابه حاضر در مدینه^۲ و قبایل مانعین زکات^۳ که با خلافت ابوبکر مخالفت کردند، نامی از بنوعامر بن لؤی به چشم نمی‌خورد.

۲.۲. جنگ‌های رده

دوران آغازین خلافت ابوبکر مقارن با سرپیچی قبایل متعددی از حاکمیت جدید بود. این افراد حاضر به پذیرش جانشینی ابوبکر نبودند و در نتیجه، تهدید بزرگی پیش روی حکومت نوپا و متزلزل او پدید آمده بود. برای نمونه، حارث بن معاویه کنده به زیاد بن لبید، مأمور جمع‌آوری زکات در حضرموت که ابوبکر را نتیجه انتخاب مهاجران و انصار معرفی کرد، گفت: «به خدا سوگند، شما خلافت را از اهلش به حسادت بردید! قلب من باور ندارد که رسول خدا ﷺ از دنیا رفت و فردی را جایگزین خود نساخت.» ولی زیاد او را از آن منطقه اخراج کرد.^۴ حارث بن معاویه بار دیگر نیز به مأمور ابوبکر گفت: «ما تا زمانی که رسول خدا ﷺ در قید حیات بود، تابع وی بودیم. اینک هم اگر فردی از اهل بیت او قیام کند، از او پیروی می‌کنیم. ابوبکر پیمان و بیعتی با ما ندارد.»^۵ افزون بر این، عدم پرداخت زکات توسط آنان، ضربه اقتصادی

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۲۶/۶.

۲. طیبسی، نجم‌الدین، ناگفته‌هایی از سقیفه، ص ۱۶.

۳. ابن‌اعثم، احمد، الفتوح، ۵۸-۹/۱.

۴. واقدی، محمد بن عمر، الردة، ص ۱۷۷.

۵. همان.

شدیدی به دنبال داشت.^۱ شخصیت‌هایی که در به قدرت رسیدن ابوبکر تأثیرگذار بودند، این تهدید سیاسی و اقتصادی را برنرفته، و برخی از آنان در جنگ با این قبایل، که به «جنگ‌های رده» شهرت یافته است، حضوری فعال یافتند.

سهیل بن عمرو از جمله کسانی بود که پس از رحلت رسول خدا ﷺ بار دیگر با استفاده از نفوذ اجتماعی‌اش مردم را از ارتداد و عدم پرداخت زکات برحذر می‌داشت.^۲ بنا بر نقل ابن حبیب، سهیل بن عمرو در برابر مانعین زکات شهر مکه خطبه‌ای خواند و از آنان خواست زکات خود را پرداخت کنند و اگر ضرر کردند خود زیان آنان را جبران خواهد کرد. مردم مکه با شنیدن این خطبه، سخن او را پذیرفتند و این‌گونه جانشینی پیامبر اکرم ﷺ تثبیت گردید.^۳ بنا بر نقل بلاذری، او از مردم خواست حاکم مکه، یعنی «عتاب بن اسید» را که از ترس فرار کرده بود، به مکه برگردانند و در جایگاهش تثبیت کنند و زکات خود را به او پرداخت کنند.^۴ بنا بر نقل ابن هشام، خطبه سهیل بن عمرو در پی تهدید مرتدین باعث بازگشت آرامش به مکه شد.^۵ شاید یکی از علل حمایت سهیل بن عمرو، متنفذترین مرد عامری، از ابوبکر، ارتباط سببی ابوبکر با بنوعامر بوده است.^۶

گزارش‌های تاریخی علاوه بر سهیل بن عمرو از حضور گسترده برخی از عامری‌ها در جنگ‌های رده حکایت دارد. ربیعة بن ابی خرشة^۷، سلیط بن عمرو بن عبدشمس^۸،

۱. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، ۴/۱؛ ابن اعثم، احمد، الفتح، ۴۸/۱.
۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۶۷۱/۲.
۳. بغدادی، محمد بن حبیب، المنمق، ص ۲۱۷.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۹/۱۱.
۵. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ۱۰۷۹/۴؛ و نیز نک: ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ۳۲۳/۲.
۶. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۵۳۲/۵؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۲۸۴/۸.
۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۴۸۹/۲؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۱۶۷/۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۳۸۵/۲.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۲۱۹/۱؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۲۰۳/۴. برخی گزارش‌ها حاکی از کشته شدن او در سال چهاردهم هجری و دوران

سليط بن سليط بن عمرو، عبدالله بن مخزومه^٢، نوفل بن مساحق بن عبدالله بن مخزومه^٣، ابوجندل بن سهيل بن عمرو (بنابر نقل ابن حجر عسقلاني و حاكم نيشابوري)^٤، عبدالله بن سهيل^٥، عمرو بن أبي اويس^٦، خدّاش يا خراش بن حصين^٧، علي بن عبیدالله بن حارث^٨، ابوعلی بن عبدالحارث^٩، سكران بن عمرو^{١٠} و حبان بن قيس بن عرقه^{١١} از جمله عامريانی هستند که در جنگ یمامه در سال دوازدهم هجری برای کشتن مسيلمه کذاب حضور فعالی داشتند. عبدالله، پسر سهيل بن عمرو نیز در ایام رده و در منطقه بحرین کشته شد.^{١٢}

-
- ابوبکر است؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ٣٤٤/٢؛ ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ٦٤٥/٢.
١. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ٦٤٥/٢؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ٣٤٣/٢ و ٢٠٣/٤؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ١٣٥/٣.
 ٢. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ١٦/١١؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ٤٠٥/٣.
 ٣. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ٩٨٥/٣؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ١٩٣/٤.
 ٤. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ٢٧٧/٣؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ٦٥/٧.
 ٥. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ٢٢١/١.
 ٦. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ٨٧/٤؛ ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ١١٦٥/٣.
 ٧. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ٤٤٤/٢؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ٢٢٧/٢؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ١٠٦/٢.
 ٨. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ١١٣٤/٣؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ٤١٧/٤؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ٤٦٩/٤.
 ٩. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ١٧١٩/٤؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ٢٣٧/٧ و ٤٦٩/٤؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ٤١/٤.
 ١٠. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ١٣٦/٣. ولی بنابر برخی گزارش‌ها، او پیش از هجرت به مدینه، از دنیا رفت؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ٢٠٤/٤.
 ١١. هیشمی، علی، مجمع الزوائد، ٢٢٤/٦.
 ١٢. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ٢٢١/١.

تلاش‌های سهیل بن عمرو و حضور گستردهٔ عامریان در خاموش کردن فتنهٔ رده، نشان از حضور مؤثر نظامی این بطن قریش در تثبیت حاکمیت ابوبکر دارد.

۳.۲. سایر جنگ‌ها و فتوحات

پس از رحلت رسول خدا ﷺ ابوبکر بر آن شد تا سپاه اُسامه را که با سرپیچی از فرمان پیامبر، هنوز حرکت نکرده بود، به همان مقصد تعیین شده اعزام کند.^۱ افزون بر این لشکرکشی، پایان یافتن جنگ‌های ردهٔ سرآغاز دورهٔ فتوحات زمان ابوبکر گردید. به نظر می‌رسد تمامی این تحرکات نظامی در خارج از مدینه علاوه بر این‌که به رفع تهدیدهای سیاسی و اقتصادی و تثبیت حکومت نوپای ابوبکر یاری می‌رساند، بهترین راهکار برای برونرفت از دامنهٔ گستردهٔ آشوب‌های داخلی و به بیرون کشاندن پتانسیل خطرآفرین معترضان مدینه و جهت‌دهی آن در پیشبرد این جنگ‌ها با عنوان مقدس «جهاد در راه خداوند» بوده است. چنین انگیزه‌ای برای توسعهٔ لشکرکشی‌های فتوحات، در دورهٔ عثمان نیز گزارش شده است.^۲ غنائم به‌دست آمده از این جنگ‌ها نیز عامل مهمی در تأمین منابع اقتصادی مورد نیاز حاکمیت جدید بود. حضور افرادی از بنوعامر بن لؤی در این جنگ‌ها تأثیر فراوانی در پیشبرد اهداف نظامی و به تبع آن، اهداف سیاسی و اقتصادی پیشگفته داشت. در اوایل سال سیزده هجری، ابوبکر چهار لشکر را برای فتح شام اعزام کرد که یکی از آن‌ها، لشکر هفت هزار نفری به فرماندهی یزید بن ابوسفیان بود.^۳ سهیل بن عمرو نیز در این لشکرکشی، فرماندهی هزار نفر از قبیله و موالیانش را بر عهده داشت.^۴ بنابر برخی گزارش‌ها، سهیل با افراد بسیاری از خانواده‌اش به شام رفت و همگی در آنجا از دنیا رفتند و به جز دخترش هند، کسی زنده نماند.^۵ بنابر این دو گزارش، ممکن است افراد دیگری غیر از سهیل بن عمرو نیز در سمت‌های نظامی و سیاسی

۱. ابن‌اعثم، احمد، الفتوح، ۱۱۲۲/۲

۲. دینوری، ابن‌قتیبه، الامامة والسياسة، ۳۴/۱

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۵۸۷/۲

۴. ابن‌اعثم، احمد، الفتوح، ۱۰۰/۱؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۵۸۸/۲۲

۵. ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۶۷۱/۲

پایین‌تر حضور فعال داشته‌اند که در تاریخ نام آنان ثبت نشده است. ابن عساکر دمشق حضور سهیل بن عمرو در نبرد «اجنادین» در سال ۱۳ هجری را نیز گزارش کرده است.^۱ ابوبکر همچنین برای مردانی از قبیله بنوعامر به نام‌های «ربیعة بن عامر»^۲ و «زمعة بن اسود عامری»^۳، که سوارکاران مشهور و شجاعی بودند، پرچم بست و از یزید بن ابوسفیان خواست به خاطر جایگاه والایشان، در امور جنگی با آن دو مشورت کند و با اوامرشان مخالفت نکند.^۴ «عبدالله بن سعد بن ابی سرح»، از افراد مشهور قبیله بنوعامر نیز در این دوران در فتح غوطه حضور داشته است.^۵

۳. نقش بنوعامر بن لؤی در خلافت عمر بن خطاب (۲۳.۱۳ق)

ویژگی مهم دوران حکومت خلیفه دوم، گسترش چشمگیر فتوحات است که بیشتر به انگیزه‌های احتمالی آنها اشاره شد. این فتوحات در نواحی ایران، آذربایجان، ارمنستان، مصر و شامات صورت پذیرفت.^۶ گسترش روزافزون جغرافیای خلافت اسلامی، نیاز به نیروی انسانی کارآمد برای مدیریت اداری، سیاسی و نظامی این مناطق را تشدید میکرد. پیشینه موفقیت‌آمیز حضور بنوعامر بن لؤی در دوره ابوبکر و شکل‌گیری دیدگاه مثبتی نسبت به آنان در نزد عمر، سبب به‌کارگیری هرچه بیشتر آنان توسط او گردید. بررسی نقش‌آفرینی این بطن در مناصب مهم سیاسی و نظامی حکومت عمر، تأثیر مهم آنان در تثبیت حکومت، پیشبرد اهداف سیاسی و تأمین منافع اقتصادی حاصل از غنائم، جزیه و خراج را روشن خواهد ساخت. علاوه بر نکات ذکرشده، گزارش‌های مختلف تاریخی مانند: ارتباط بزرگان و اشراف بنوعامر مانند سهیل بن عمرو با عمر بن خطاب^۷، پاسخ عمر بن خطاب به درخواست هند

۱. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الکبیر، ۵۰۳/۱۱.

۲. نام این شخصیت در میان افراد قبیله بنوعامر ناشناخته است.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۶۸/۲.

۴. واقدی، محمد بن عمر، فتوح الشام، ۸/۱.

۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۶۰۲/۲۲.

۶. نک: همان، حوادث سال‌های ۱۳-۲۳ هجری.

۷. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۸/۱ و ۹.

دختر سهیل بن عمرو^۱ و اهدای قطعه زمینی به او پس از ازدواج^۲، و کمک مالی هزاردیناری خلیفه دوم به عبدالله بن سعدی عامری^۳، همه از روابط مطلوب خلیفه دوم و عامریان پرده برمی دارد. ابوالفرج اصفهانی نیز ازدواج عبدالرحمن بن سهیل بن عمرو با امّ هشام، دختر عبدالله بن عمر بن خطاب را در روابط میان خلیفه دوم و عامریان بسیار تأثیرگذار دانسته است.^۴

۱.۳. فتوحات

در دوران عمر بن خطاب افراد بیشتری از بنوعامر بن لؤی به فعالیت‌های نظامی مشغول شده‌اند که یکی از علل آن، گسترش بیشتر فتوحات در این دوره و نیاز بیشتر به نیروی نظامی بوده است. پیش‌تر بیان شد که سهیل بن عمرو در دوران ابوبکر با افراد بسیاری از خانوادهاش به شام رفت و در سال ۱۸ هجری به واسطه طاعون عمواس، همگی در آنجا از دنیا رفتند و به جز دخترش کسی زنده نماند^۵؛ پس بسیار طبیعی است که عامریان در این دوره حضور فعالی در فتوحات داشته باشند.

یکی از شخصیت‌های عامری نقش آفرین در این دوران «سهیل بن عمرو» است. او از اولین مهاجران به شام بود و به‌طور دائم در فتح شهرها حضور داشت.^۶ گزارش‌ها از حضور او در فتح «بیسان» و محاصره آن در سال ۱۳ هجری^۷، حضور در نبرد «مرج الصفر» در سال ۱۴ هجری^۸، و حضور در یرموک در سال ۱۵ هجری^۹ و فرماندهی

۱. ازرقی، محمد بن عبدالله، أخبار مکه، ۲/۲۶۵.
۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۳/۱۲۴۵؛ ابن اثیر جزیری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۴/۱۵۱۴.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ۱۳/۱۳۴؛ احمد بن حنبل، مسند أحمد، ۱/۱۷۱.
۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الأغاني، ۱۳/۲۸.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۲/۶۷۱.
۶. همان، ۴/۱۶۲۲؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۷/۴۰۵.
۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۲۲/۶۳۰.
۸. خلیفه بن خیاط، طبقات خلیفه، ص ۶۳.
۹. ذهبی، محمد، تاریخ الإسلام، ۳/۱۵۱؛ خلیفه بن خیاط، طبقات، ص ۶۳.

بخشی از لشکر در این جنگ^۱ حکایت دارند.

«ابوسبیرة بن ابي رهم»، داماد سهیل بن عمرو نیز در فتح فارس در سال ۱۷ هجری حضور داشت و فرمانده لشکری دوازده هزار نفری بود^۲ و در همان سال در فتح نهرتیری، منادر، سوق الاهواز، سوس، بستان و جندی شاپور، فرماندهی لشکر را بر عهده داشت.^۳

از حضور عامریانی همچو «حارث بن حبیب» در فتح افریقیه در سال ۲۰ هجری^۴، «بسر بن ابي ارطاة» برای مصالحه با دو منطقه از افریقیه در سال ۲۳ هجری^۵، و فتح «غوطه» در اطراف دمشق در سال ۱۳ هجری^۶ و فرماندهی میمنه لشکر اسلام در فتح مصر در سال ۲۰ هجری^۷، «علاء بن وهب» در قادیسیه در سال ۱۴ هجری^۸ و «سلیط بن عمرو بن عبد شمس»^۹ در فتوحات نیز گزارشاتی وجود دارد.

۲.۳. امارت شهرها

در کنار نقش نظامی بنوعامر بن لؤی در تثبیت خلافت عمر بن خطاب، افرادی از این دو قبیله در ابعاد سیاسی نیز با او همراهی داشتند. امارت «ابوسبیرة بن ابي رهم» بر بصره در سال ۱۷ هجری^{۱۰} و سپردن مسئولیت ساخت و ساز نشانه‌های حرم در

۱. ذهبی، محمد، تاریخ الإسلام، ۱۵۱/۳.
۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۱۷۸/۲۳.
۳. همان، ۱۷۹/۳؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الکبیر، ۳۷/۶۰؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة والنهاية، ۹۸/۷.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۶۶۴/۱.
۵. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ۱۵۶/۲.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۶۰۲/۲۲.
۷. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸۸/۴.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۴۸/۴.
۹. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۲۱۹/۱؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبیر، ۲۰۳/۴.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۱۷۹/۲۳؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الکبیر، ۳۷/۶۰.

سال ۱۷ هجری به «حویطب بن عبدالعزی» یکی از بزرگان قریش و عامریان متنفذ^۱ توسط خلیفه دوم، از این موارد هستند.^۲

۴. نقش بنوعامر بن لؤی در خلافت عثمان بن عفان (۳۵.۲۳ق)

عثمان بن عفان در سال ۲۳ هجری در پی شورای تشکیل شده از سوی عمر بن خطاب به قدرت رسید. در این زمان، مدل جدید حاکمیت بر امت اسلامی تقریباً تثبیت شده و گسترش فتوحات، رونق اقتصادی را به ویژه برای اهل مدینه به ارمغان آورده بود. از این رو، به نظر می‌رسد عثمان خود را نیازمند به‌کارگیری نیروهای توانمند برای ایجاد ثبات در حکومت نمی‌دید و بیشتر فرمانداران شهرها و فرماندهان جنگی بر اساس دو شاخصه «قبیله‌گرایی» و «اموی‌گرایی» تغییر کردند.^۳ از سوی دیگر، برخی فرماندهان نظامی مهم از قبیله بنوعامر بن لؤی، مانند سهیل بن عمرو، در این زمان دیگر زنده نبودند. بنابراین طبیعی است که حضور این دو قبیله در مناصب نظامی و سیاسی این دوره کم‌رنگ باشد.

۱.۴. انتخاب عثمان بن عفان

یکی از حامیان سرسخت عامری عثمان که برای انتخاب او در ایام شورا تلاش می‌کرد «عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح» بود. بنابر برخی گزارش‌ها، وقتی عبدالرحمن بن عوف از مردم درباره انتخاب خلیفه نظرخواهی کرد^۴، عمار از جا بلند شد و گفت: «ای عبدالرحمن! اگر می‌خواهی در بین مردم اختلاف به وجود نیاید، به علی رأی بده.» مقداد نیز پیشنهاد عمار را تأیید کرد. ولی عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح لب

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ۱۳۳/۱۳.

۲. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۶۷/۲؛ فاکهی، محمد بن اسحاق، أخبار مكة، ۱۲۹/۲.

۳. کردی، رضا، «بررسی مقایسه‌ای نقش دو تیره بنی‌فهر در تحولات صدر اسلام (با تکیه بر عملکرد صحابی‌ان آن‌ها)»، تاریخ و تمدن اسلامی، ۶۷/۱۹-۹۰.

۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۲۹۷/۲۳؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ۷۰/۳؛ ابن شتبه، عمر بن شتبه نمیری، تاریخ المدینة المنورة، ۹۲۹/۳؛ جوهری، احمد بن عبدالعزیز، السقیفة وفدک، ص ۸۷.

به اعتراض گشود و گفت: «عبدالرحمن! اگر می خواهی قریش با تو مخالفت نکند، باید به عثمان رأی بدهی.» عبدالله بن ابی ربیعہ مخزومی نیز از او حمایت کرد. مقدار خطاب به ابن ابی سرح گفت: «ای دشمن خدا و رسول خدا و کتاب خدا! از چه هنگام صالحان و نیکوکاران سخن تو را شنیده و می شنوند؟!» عمار نیز به او گفت: «ای فاسق پسر فاسق! از کی شما خیرخواه اسلام شده اید که ما خبر نداریم؟!»^۱

۲.۴. فتوحات

فتوحات دوره عثمان، عمدتاً در راستای تثبیت و یا گسترش فتوحات پیشین بود، و همانطور که درباره انگیزه های سیاسی و اقتصادی ابوبکر و عمر از این جنگ ها گفته شد، در این دوره گزارش هایی به تصریح از این امر پرده برداشته اند. نویسنده کتاب الإمامة والسیاسة روایتی از پیشنهاد معاویه به عثمان برای رهایی اعتراضات گسترده صحابه با اعزام آنان به جنگ در مناطق دوردست، آورده است.^۲

روابط مستحکم خلیفه سوم با برخی از بنی عامریان در این دوران، باعث شد بنوعامر بیشتر از دو دوره قبل در رخداد های مهم نقش آفرینی کنند. پیش تر گذشت که عثمان از سویی، با بنوعامر از طریق ازدواج با دو زن ارتباط سببی دارد^۳ و از سوی دیگر، عبدالله بن سعد بن ابی سرح، یکی از پرحاشیه ترین و جنجالی ترین شخصیت های بنوعامر، برادر رضاعی عثمان بود و در دوران خلافتش او را در متن حکومت قرار داد.

عثمان بن عفان در ابتدا عبدالله بن سعد عامری را برای جمع آوری مالیات و خراج برخی از نواحی مصر به جای عمرو بن عاص قرار داد^۴؛ ولی به خاطر شکایت سعد از عمرو بن عاص، خلیفه سوم عمرو بن عاص را از ولایت مصر برکنار و هر دو منصب

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۲۳/۲۹۷.

۲. دینوری، ابن قتیبہ، الامامة والسیاسة، ۱/۳۴.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه، ۶/۴۸۰؛ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۸/۲۳۹.

۴. بلاذری، احمد بن یحیی، معجم البلدان، ۱/۲۶۲.

را به عبدالله واگذار کرد. او این مسند را دوازده سال در اختیار داشت.^۱ او از مصر دوازده میلیون دینار خراج برای تقویت حکومت عثمان جمع‌آوری کرد.^۲ عبدالله در فتح افریقیه نیز فرماندهی لشکر مسلمانان را بر عهده داشت. در این فتح سهم هر سوارکار، سه هزار مثقال طلا و سهم هر پیاده هزار مثقال طلا شد. عثمان به او قول داده بود در صورت فتح افریقیه خمس خمس غنائم آن را به او خواهد بخشید. عبدالله پس از فتح افریقیه ولایت آنجا را بر عهده داشت؛ ولی به خاطر اعتراض سپاهیان، عثمان او را از ولایت افریقیه عزل و بر ولایت مصر ابقا کرد.^۳ عبدالله بن سعد پس از فتح افریقیه در سال ۳۱ هجری «اساود» را فتح کرد و در سال ۳۴ هجری از طریق دریا با روم وارد جنگ شد و بر آنان پیروز گشت.^۴

بسر بن اُبی‌ارطاة، یکی از شخصیت‌های جنگجوی بنوعامر نیز در این دوران در فتوحات حضور داشت. نام او در سپاهی که عثمان در سال ۲۷ یا ۲۸ یا ۲۹ هجری از مدینه برای یاری عبدالله بن سعد بن اُبی‌سرح فرستاد، دیده می‌شود.^۵

۳.۴. امارت شهرها

در دوره حکومت عثمان، نقش آفرینی سیاسی عمدتاً در انحصار خاندان اموی قرار گرفت و قبایل دیگر سهم ناچیزی در آن یافتند. درباره امارت عامریان بر شهرها در این دوران می‌توان به امارت «علاء بن وهب» بر جزیره، رقه^۶، ماه و همدان^۷، امارت «عبدالله بن سعد» بر مصر و افریقیه و امارت «سائب بن هشام بن عمرو» بر مصر به عنوان جانشین عبدالله بن سعد اشاره کرد.^۸

۱. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸۸/۴.
۲. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ۱۶۴/۲.
۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۳۱۳/۲۳.
۴. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸۸/۴.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، معجم البلدان، ۲۶۷/۱.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴۴۸/۴.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، معجم البلدان، ۳۸۰/۲.
۸. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۱۷۳/۳؛ ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ۷۴۹/۲؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۹۱۹/۳.

۴.۴. ماجرای قتل عثمان

آخرین رویداد مهم در دوره عثمان، اعتراضات مردمی به بدعت‌ها، شیوه حکومت‌داری، و انحصارگرایی اموی اوست، که سرانجام به ماجرای محاصره خانه و کشته شدن او منتهی شد.^۱ در میان معترضان، نامی از افراد قبیله بنوعامر بن لؤی وجود ندارد؛ بلکه در مقابل، از نقش برخی از آنان در دفاع از وی سخن گفته شده است. یکی از اقدامات عبدالله بن سعد پس از آغاز اعتراضات مردم علیه عثمان، سرکوب، ضرب و شتم و کشتن مخالفان و شاکیان عثمان بود.^۲ عبدالله بن سعد پس از اطلاع از حرکت پانصد نفر از مصری‌ها به سمت مدینه، فوراً عثمان را در جریان این موضوع قرار داد^۳؛ درحالی‌که یکی از مهم‌ترین علل اعتراض مردم به خلیفه سوم، ولایت دادن به امثال عبدالله بن سعد فاسد و مهذور الدّم بود.^۴ او با گسترده شدن اعتراضات علیه عثمان، معاویه بن حدیج را برای کمک به او به مدینه فرستاد^۵ و معترضان مصری را تهدید میکرد که به زودی با تازیانه‌ها و شمشیرهای بنی‌عامر در مصر آنان را لگدکوب خواهد کرد.^۶ این ادعای ابن‌ابی‌سرح از حضور بخشی از عامریان در مصر حکایت دارد؛ عامریانی که با حکومت عثمان و اقدامات ابن‌ابی‌سرح هم‌سو و هم‌فکر بودند.

عبدالله بن سعد پس از به قتل رسیدن عثمان، فریاد «إنا لله وإنا إليه راجعون» سر داد.^۷ حویطب بن عبدالعزی، از دیگر عامری‌ها نیز در این دوران در حوادث یوم الدار حضور داشت و نماینده عثمان در دوران حصر برای دیدار با امام علی علیه السلام بود.^۸

۱. نک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، حوادث سال‌های ۳۵ و ۳۶ هجری.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۳۹۲/۲۳؛ سیف بن عمر، الفتنة ووقعة الجمل، ص ۱۳.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۳۹۲/۲۳.

۴. همان، ۳۴۱/۳ و ۴۰۰.

۵. همان، ۶۵۴/۲.

۶. مادلونگ، ویلفرد، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ص ۷۶.

۷. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۵۷/۶.

۸. دینوری، ابن قتیبه، الامامة والسیاسة، ۳۷/۱.

او پس از مرگ عثمان در مراسم دفن او حضور داشت.^۱ علاوه بر عامریان نام برده، در برخی گزارش‌ها از همراهی «سلیط» با عثمان و حضور او در حوادث یوم الدار سخن به میان آمده است؛ درحالی‌که برخی دیگر، از شهادت او در یمامه خبر می‌دهند.^۲

۵. نقش بنوعامر بن لؤی در خلافت حضرت علی علیه السلام (۴۰-۳۵ق)

به قدرت رسیدن امام علی علیه السلام در واقع، بازآفرینی الگوی حکمرانی نبوی بود و به طور طبیعی صاحبان قدرت و نفوذ در دوره سه خلیفه پیشین، جایی در آن نداشتند. در میان فرمانداران و فرماندهان نظامی حکومت امام علی علیه السلام نشانی از بنوعامر بن لؤی نیست؛ بلکه آن حضرت برخی از عامریان مانند عبدالله بن سعد بن ابی سرح را، که استاندار مصر بود، برکنار کرد و قیس بن سعد بن عباده را به ولایت آنجا گمارد.^۳ اولین رویارویی مستقیم این قبیله با امام علی علیه السلام، مبارزه عمرو بن عبدود در جنگ خیبر و کشته شدن او به دست آن حضرت بود. این نبرد چنان اهمیت داشت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را «رویاری تمام شرک در مقابل تمام اسلام» تعبیر کرد^۴ و در بیانی دیگر، مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن عبدود در روز خندق را از همه اعمال امتش تا روز قیامت برتر دانست.^۵ در مجموع به نظر می‌رسد ارتباطات وثیقی میان آنان و امام وجود نداشته است؛ ازاین‌رو، نقش عامریان در این دوره را باید بیشتر به صورت سلبی بازخوانی کرد و از نقش این قبیله در تضعیف حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و تقویت حاکمیت معاویه در دمشق نگاشت.

۱.۵. جنگ‌ها

دوره پنج‌ساله حکومت امام علی علیه السلام با جنگ‌های پی‌درپی جمل، صفین و نهروان

۱. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۶۷/۲؛ طبرانی، احمد، المعجم الکبیر، ۷۹/۱.

۲. صنعانی، عبدالرزاق، المصتف، ۴۴۵/۱۱؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ، ص ۱۲۸.

۳. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸۸/۴.

۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، ص ۳۵.

۵. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۳۲/۳؛ حاکم حسکانی، عبیدالله بن

عبدالله، شواهد التنزیل، ۱۴/۲؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۱۹/۱۳؛

خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، ص ۱۰۷.

و غارات معاویه همراه بود. گزارش‌های انگشت‌شماری از حضور عامریان در سپاه امام علی علیه السلام در این جنگ‌ها وجود دارد. تنها شخصیت عامری که بر اساس یک گزارش در جنگ جمل در کنار حضرت علی علیه السلام حضور داشت، «عبدالله بن ابوسبرة بن ابي رهم» است^۱؛ اما نقش آفرینی این دو بطن، در جناح مقابل، یعنی سپاه معاویه، بسیار زیاد است. برخی از عامریان مانند: عمرو بن عبدالله بن ابي قیس^۲، ابوسفیان بن حویطب^۳، عبیدالله بن مسافع^۴، عبدالرحمن بن حمید و برادرش عمرو^۵، ابوالاخنس از موالی بنوعامر^۶ و عبیدالله بن انس^۷ در ضدیت با امام علی علیه السلام در جنگ جمل حضور داشتند.

یکی از شخصیت‌های نظامی نقش‌آفرین عامری در این دوران، عبدالله بن سعد است. او پس به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام، کلمه استرجاع را بر زبان جاری کرد و اعتقاد داشت این واقعه به اندازه مرگ عثمان فاجعه است.^۸ هم‌زمان با استقرار حکومت امام علی علیه السلام، ابن ابي سرح اراذل و اوباش را در اطراف خود جمع کرده، آنان را علیه آن حضرت تحریک می‌کرد.^۹ از منظر امام علی علیه السلام، عبدالله بن سعد همیشه به دنبال نیرنگ و فریب نسبت به خدا و رسول او، سد کردن راه خدا، ایجاد انحراف و انکار فضایل و مناقب آن حضرت بود و تلاش داشت نور خدا را خاموش کند.^{۱۰} عبدالله سرانجام به معاویه پیوست و در جنگ صفین او را همراهی کرد و به

۱. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ۱۹/۲.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن ابي الکرّم، الکامل فی التاریخ، ۲۶۳/۳؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ۱۱۹۲/۳.
۳. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۴۱.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۲۱/۱۱.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۲۶/۵.
۶. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۴۱.
۷. زبیری، مصعب، نسب فریش، ص ۴۱۲.
۸. ابن ابي الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۵۷/۶.
۹. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ۴۲۸/۲؛ دینوری، ابن قتیبه، الإمامة والسیاسة، ۵۴/۱.
۱۰. همان.

معاویه پیشنهاد داد آب را به روی لشکر امام علیه السلام ببندد تا همگی مانند عثمان از تشنگی بمیرند!^۱

شخصیت نظامی دیگر در این دوران، بسر بن ابی‌ارطاة، یکی از ارکان حکومت معاویه و از نواصب و دشمنان سرسخت حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام و از طرف داران عثمان و سران لشکر معاویه است. وی در حدود سال ۴۱ هجری از طرف معاویه والی بصره گردید و بالای منبر به حضرت علی علیه السلام ناسزا می‌گفت و وقتی با اعتراض ابوبکره مواجه شد، او را چنان کتک زد که بیهوش شد.^۲

بنابر برخی گزارش‌ها، او فرمانده ساقه^۳ (بخش مؤخره لشکر در مقابل مقدمه و یکی از پنج رکن اساسی لشکر) و بنابر برخی دیگر از گزارش‌ها، فرمانده پیاده‌نظام لشکر معاویه در صفین بود.^۴ پس از حضور شرحبیل، نماینده امام علی علیه السلام در شام، بسر طبق دستور معاویه چندین بار با شرحبیل ملاقات کرد و قتل عثمان را به امام علی علیه السلام نسبت داد تا بتوانند از حضور مؤثر شرحبیل علیه حضرت علی علیه السلام بهره ببرند.^۵

یکی از مهم‌ترین وقایع جنگ صفین، رویارویی بسر بن ابی‌ارطاة با امام علی علیه السلام است؛ واقعه‌ای که بسر مجبور شد برای حفظ جان‌ش کشف عورت کند.^۶ او یکی از شاهدان عهدنامه حکمیت نیز بود.^۷

بیشترین مأموریت بسر پس از اتمام صفین، حضور در «غارات» بود. لشکرکشی به مدینه و کشتن شیعیان و آتش زدن خانه‌های انصار و شیعیان امام علی علیه السلام^۸،

۱. ابن‌اعثم، احمد، الفتوح، ۴/۲.

۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ۸/۴.

۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ۳۵۳/۲.

۴. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۲۸/۴؛ دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، ص ۱۷۲.

۵. ابن‌اعثم، احمد، الفتوح، ۵۱۸/۲.

۶. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، ص ۴۶۱.

۷. دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، ص ۱۹۶.

۸. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ۵۵۴/۲.

کشتن بیش از سی هزار نفر از محبان و شیعیان حضرت علی علیه السلام در منطقه یمن و سایر مناطق^۱، و کشتن فرزندان کوچک عبیدالله بن عباس^۲ از مهم ترین اقدامات اوست. حضرت علی علیه السلام هنگام اطلاع از جنایت بسر در حق فرزندان عبیدالله بن عباس، او را نفرین کردند. بنابر نقل منابع فریقین، مدتی بعد از نفرین حضرت علی علیه السلام، بسر بن اوطاة عقلش را از دست داد و دیوانه شد.^۳

گله شدید امام علی علیه السلام و جمله معروف ایشان درباره بیرون آوردن خلخال از پای زن غیرمسلمان نیز مربوط به اقدامات بسر بن اوطاة و غارات او در شهر انبار است.^۴ بنابر برخی گزارش ها، در این دوران برخی از عامری ها مانند: حویطب بن عبدالعزی عامری^۵، حمید بن عمرو (عمیر) عامری، از اشراف شام^۶ و پسر دایی معاویه^۷، و عبدالله بن حوالة ازدی عامری^۸ در شام زندگی می کردند و با معاویه ارتباط داشتند. این گزارش ها نشان می دهد که عامریان با معاویه رابطه حسنه ای داشتند.

برخی از آنان نیز در اطراف عمال معاویه، مانند عمرو بن عاص حضور داشتند و عمرو بن عاص هم به آنان اعتماد داشت، تا آنجا که آنان را به جای خود برای نماز می گمارد.^۹ سائب بن هشام و هشام بن عمرو نیز رئیس شرطه های عمرو بن عاص در مصر بوده اند.^{۱۰} سائب بن هشام در فتح مصر حضور داشته و کرسی قضاوت

۱. ابن اعثم، احمد، الفتوح، ۲/۲۳۶.

۲. قرطبی، محمد بن حمد، الجامع لأحكام القرآن، ۳/۳۹۶؛ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ۳۲۱/۱.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۳/۲۱۶؛ ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکریم، الكامل فی التاریخ، ۲/۴۳۲.

۴. دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، ص ۲۱۲.

۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۸/۷۶.

۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۲/۱۳۲ و ۴/۶۰۱.

۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۷/۲۶.

۸. مزنی، جمال الدین یوسف، تهذیب الکرمال، ۱۴/۴۴۱؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۵/۱۷۰.

۹. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۶/۱۱۴.

۱۰. قرشی، عبدالرحمن بن عبدالله، فتوح مصر وأخبارها، ص ۲۰۱.

این شهر را نیز بر عهده داشته است.^۱ ابن عساکر دمشق اهدای یک قطعه زمین توسط مروان بن حکم در سال ۴۱ هجری به یکی از شخصیت‌های بنوعامر به نام «عبدالله بن عباس بن علقمه» را گزارش کرده است.^۲ از دیگر عامریان ناشناسی که در این دوران در شام سکونت داشته و با معاویه ارتباط داشته‌اند، عمیر بن مساحق^۳ و یزید بن نبیسه هستند که در فتح دمشق حضور داشتند و یزید بن نبیسه، از طرف معاویه امیر دمشق بود.^۴

۲.۵. امارت شهرها

همانطور که اشاره شد، امام علی علیه السلام هرگز امارت شهرها را به بنوعامر نسپرد؛ اما در مقابل، افرادی از این دو بطن را می‌توان در میان فرمانداران و والیان مناطق مختلف سرزمین‌های تحت سلطه معاویه دید. بسر بن ابی‌ارطاة علاوه بر فرماندهی لشکر در صفین و پس از آن در غارات، از طرف معاویه والی بصره نیز بود.^۵ سائب بن هشام و هشام بن عمرو نیز رئیس شرطه‌های عمرو بن عاص در مصر بوده‌اند.^۶ سائب بن هشام علاوه بر این، در فتح مصر حضور داشته و کرسی قضاوت مصر را نیز بر عهده داشته است.^۷ یزید بن نبیسه نیز امیر دمشق بود.^۸

۱. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۲/۲۵۷؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۱۹۸/۳.
۲. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الكبير، ۴۰/۲۷۹؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴/۶۲۴.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۴/۶۰۱.
۴. همان.
۵. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، الكامل في التاريخ، ۲/۴۵۲؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ۸/۴.
۶. قرشی، عبدالرحمن بن عبدالله، فتوح مصر وأخبارها، ص ۲۰۱.
۷. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، أسد الغابة، ۲/۲۵۷؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۳/۱۹۸.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة، ۶/۵۳۰.

نتیجه‌گیری

«بنوعامر بن لؤی» یکی از بطون اصلی آل فهر هستند که در اطراف مکه زندگی می‌کردند. علی‌رغم برخورداری آن‌ها از جمعیت نسبتاً زیاد، شرایط زندگی بیابان‌نشین و دوری از فرهنگ و تمدن شهری، از مهم‌ترین عوامل عدم توسعه اقتصادی، علمی و فرهنگی این بطن، و در مقابل، شکل‌گیری روحیه و توان جنگاوری در آنان بوده است.

این توان نظامی و جمعیت فراوان، در کنار پیوندهای نسبی متعدد میان این بطن و قبایل تیم، عدی و بنی‌امیه - که سه خلیفه نخست به ترتیب متعلق به این دو هستند - روابط دوستانه میان برخی از آنان با سه خلیفه نخست، این بطن را به گزینه مناسبی برای نقش‌آفرینی در فرآیند شکل‌دهی و تثبیت جانشینی سه خلیفه نخستین توسط جریان حاکم پس از رحلت رسول خدا ﷺ تبدیل کرد.

وضعیت اقتصادی، علمی و فرهنگی این بطن به‌گونه‌ای نبود که در ابعاد اقتصادی و فرهنگی مسئله جانشینی ایفای نقش کنند، جز آنکه بنوعامر عمدتاً فرماندهان نظامی قدرتمند و سربازانی بودند که به‌طور غیرمستقیم، در بعد اقتصادی به حاکمیت خلفای نخستین کمک کردند و از این جهت نقش مهمی در دستیابی خلفا به منابع مالی فراوان حاصل از غنیمت‌ها، جزیه و خراج داشتند. بنا به سنت آن دوران، این نیروهای نظامی ممکن بود به ولایت سرزمین‌های فتح‌شده گماشته شوند و نقش‌های سیاسی را نیز عهده‌دار گردند. گرچه تعداد کارگزاران خلفا از میان این بطن مطابق جدول ارائه شده از نظر کمیت ضعیف است، ولی نیم‌نگاهی به فرماندهان نظامی در همین دوران نشان می‌دهد که: اولاً، بنوعامر حضور قدرتمندی در عرصه نظامی داشتند؛ و ثانیاً، فرماندهان نظامی فعال نیز شخصیت‌های نظامی کم‌نظیری همچو سهیل بن عمرو، بسر بن ابی‌ارطاة و عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح هستند.

با توجه به این‌که تنها هفتاد روز از غدیر تا رحلت رسول خدا ﷺ فاصله بود، فرصت نقش‌آفرینی فرهنگی (مانند جعل حدیث، تخریب شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام) و ایجاد جایگاه برای ابوبکر و عمر) و اقتصادی زیادی در مرحله نخستین شکل‌گیری خلافت وجود نداشت؛ ولی نقش‌آفرینی سیاسی و نظامی افرادی از این بطن در

نخستین مراحل شکل‌گیری خلافت نخستین در ماجرای صحیفه ملعونه گزارش شده است. در جنگ‌های رده و فتوحات دوره ابوبکر نیز این بطن دارای نقش آفرینی جدی هستند؛ ولی از میان ۲۴ کارگزار اصلی ابوبکر، نام هیچ شخصیتی (صفر درصد) از این قبیله در لیست استانداران و فرمانداران این دوره ثبت نشده است.

در دوران خلافت عمر بن خطاب شمار کارگزاران این بطن به دو نفر (۴٫۶٪) از ۴۳ کارگزار در سمت‌های مختلف سیاسی و نظامی، فزونی یافت. در این دوران، ابوسبّه بن اَبی‌رهم والی بصره و حویطب بن عبدالعزی مسئول ساخت‌وساز نشانه‌های حرم بودند. علاوه بر این، در همین دوران پنج شخصیت بانفوذ عامری همچو: سهیل بن عمرو، ابوسبّه بن اَبی‌رهم، حارث بن حبیب، علاء بن وهب و بسر بن اَبی‌ارطاة، سِمَت‌های مهم نظامی و سیاسی را بر عهده داشتند. باید توجه داشت که معمولاً تنها اسامی افراد مهم و فرمانداران و فرماندهان در گزارش‌های تاریخی ثبت شده است، و مناسبات قبیلگی آن دوران اقتضا می‌کند که وقتی یک نفر از این بطن به چنین مناصبی دست یافته است، افراد دیگری از خویشان و هم‌بطنی‌های خود را در رده‌های پایین‌تر به کار گرفته باشد. این قضیه در مورد عامریان نزدیک به واقع است؛ چون بنابر برخی گزارش‌ها، او به همراه تمام افراد قبیلۀ خود به شام رفت و طبیعی است که از آنان برای رسیدن به اهدافش استفاده گسترده کرده باشد. پیشینه موفقیت‌آمیز حضور عامریان در دوره ابوبکر و شکل‌گیری دیدگاه مثبت نسبت به آنان در نزد عمر، گسترش چشمگیر فتوحات و در نتیجه، نیاز بیشتر به نیروی انسانی کارآمد برای اداره جنگ‌ها و فرمانداری سرزمین‌های گشوده شده را می‌توان از علل حضور بیشتر عامریان در این دوران دانست.

در دوره عثمان، سیاست «اموی‌گرایی» سبب شد نقش بنوعامر در حکومت کم‌رنگ شود و تنها سه نفر (۸٫۱٪) از ۳۷ کارگزار این دوره، از این بطن انتخاب شوند. باین حال، روشن است که حداقل افرادی از آنان همچنان از جریان حاکم پشتیبانی می‌کردند و هیچ‌گاه در ردیف مخالفان و معترضان عثمان قرار نگرفتند؛ بلکه تا زمان قتل وی مصّرانه به دفاع از او پرداختند.

با آغاز حکومت امام علی علیه السلام، قدرت سیاسی و نظامی بنوعامر در دشمنی با امام و حمایت از معاویه جهت دهی شد و چهار نفر (۱۰،۲٪) از ۳۹ کارگزار معاویه، از این بطن انتخاب شدند. تأثیر نظامی افرادی چون عبدالله بن سعد بن ابی سرح و بسر بن ابی اریطه در نبرد صفین و غزات معاویه علیه امام، کاملاً مشهود است. بنابراین، در مجموع باید بنوعامر بن لوی را از گروه‌های تأثیرگذار در ابعاد نظامی و سیاسی شکل‌گیری و تثبیت حکومت سه خلیفه نخست، و تضعیف اجتماعی، سیاسی و نظامی جانشینی امام علی علیه السلام از همان دوره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا پایان حکومت امام دانست. در جدول زیر می‌توان نگاهی اجمالی به حضور آنان در حکومت‌های اسلامی سال‌های ۱۱ تا ۶۰ هجری انداخت.

اسامی فرماندهان نظامی	اسامی فرمانداران شهرها	تعداد کارکنان بنوعامر	تعداد کل کارکنان	دوره
<ol style="list-style-type: none"> سهیل بن عمرو، فرمانده فتوحات ربیعہ بن عامر، فرمانده فتوحات زبعتہ بن اسود عامری، فرمانده فتوحات 	-	۰ (صفر درصد)	۲۴	ابوبکر بن آبی قحافه (۱۳-۱۱)
<ol style="list-style-type: none"> سهیل بن عمرو، فرمانده فتوحات ابوسیرة بن ابی رهم، فرمانده فتوحات بسر بن ابی اوطاه، فرمانده فتوحات 	<ol style="list-style-type: none"> ابوسیرة بن ابی رهم و امارت بر بصره در سال ۱۷ هجری حویطب بن عبدالعزی، مسئول ساختن و سازشدهای حرم در سال ۱۷ هجری 	۲ نفر (% ۴/۶)	۴۲	عمر بن خطاب (۲۳-۱۳)
<ol style="list-style-type: none"> عبدالله بن سعد بن ابی سرح، فرمانده فتوحات افریقیه 	<ol style="list-style-type: none"> عبدالله بن سعد بن ابی سرح، مسئول جمع آوری مالیات و خراج برخی از نواحی مصر عبدالله بن سعد بن ابی سرح و امارت بر مصر عبدالله بن سعد بن ابی سرح و امارت بر افریقیه علاء بن وهب و امارت بر جزیره، رقه، ماه و همدان سائب بن هشام بن عمرو و امارت بر مصر (جانشین عبدالله بن سعد) 	۳ نفر (% ۵/۴)	۳۷	عثمان (۲۵-۲۳)
-	-	۰ (صفر درصد)	۳۸	امام علی (۴۰-۳۵)
<ol style="list-style-type: none"> بسر بن ابی اوطاه، فرمانده مساقه یا پیاده نظام نبرد صفین بسر بن ابی اوطاه، فرمانده غارات سائب بن هشام و هشام بن عمرو، رئیس شرطه های عمرو بن عاص در مصر 	<ol style="list-style-type: none"> بسر بن ابی اوطاه و امارت بر مصر در سال ۴۱ هجری سائب بن هشام، قاضی مصر عمیر بن مساحق و امارت بر دمشق یزید بن نبیثه و امارت بر دمشق 	۴ نفر (% ۱۰/۲)	۳۹	معاویہ (۴۰-۳۵)

کتاب‌ها

قرآن کریم.

ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دوم: دار إحياء الكتب العربية، بیروت، ۱۳۸۵ق.

ابن‌اثیر جزری، علی بن‌ابی‌الکرم، الكامل في التاريخ، تحقیق: علی شیری، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۸ق.

—، أسد الغابة في معرفة الصحابة، دار الكتاب العربي، بیروت، بی‌تا.

ابن‌اعثم، احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، دار الكتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۶ق.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم في تواريخ الملوك والأمم، تحقیق: سهیل زکار، دار الفكر، بیروت، ۱۴۱۵ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقیق: احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، چهارم: بیروت، دار الكتب العلمیه، ۲۰۱۰.

—، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، اول: دار الكتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.

.. —، تهذيب التهذيب، اول: دار الفكر، بیروت، ۱۴۰۴ق.

ابن حزم، علی بن احمد، جمهرة أنساب العرب، دار الكتب العلمیه، بی‌جا، بی‌تا.

ابن خلدون، محمد بن خلدون، تاریخ، چهارم: دار إحياء التراث العربي، بیروت، بی‌تا.

ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، دار صادر، بیروت، بی‌تا.

ابن سلام، ابی‌عبید القاسم بن سلام، کتاب النسب، تحقیق: مریم محمد خیر الدرع، اول: دار الفكر، بیروت، ۱۴۱۰ق.

ابن شیبّه، عمر بن شیبّه نمیری، تاریخ المدينة المنورة، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، دار الفكر، بیروت، ۱۴۱۰ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، علامه، قم، بی‌تا.

ابن طاووس، علی بن موسی، الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف، اول: مطبعة الخيام، قم، ۱۳۹۹.

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقیق و تعلیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل أحمد عبدال موجود، دار الكتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الكبير، تحقیق: علی عاشور الجنوبي، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۲۱ق.

ابن قتيبه دينورى، أبو محمد عبدالله بن مسلم، الإمامة والسياسة، شريف رضى، قم، ۱۳۸۸ق.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، تحقيق: أحمد أبو ملحم، بنجم: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۰۹ق.

.. —، السيرة النبوية، تحقيق: صدقى جميل العطار، اول: دار الفكر، بيروت، ۱۴۲۵ق.

ابن كلبى، هشام بن محمد، جمهرة النسب، تحقيق: حسن ناجى، عالم الكتب، بيروت، بى تا.
ابن هشام، عبدالملك بن هشام، السيرة النبوية، تحقيق: محمد محيى الدين عبدالحميد، مكتبة محمد علي صبيح و أولاده، قاهره، ۱۳۸۳ق.

ابوالفرج اصفهانى، على بن حسين، الأغاني، دار إحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

احمد بن حنبل، المسند، دار صادر، بيروت، بى تا.

ازرقى، محمد بن عبدالله، أخبار مكة، تحقيق: رشدي الصالح ملحس، اول: شريف رضى، قم، ۱۴۱۱ق.

بخارى، محمد بن إسماعيل، الجامع الصحيح، تحقيق: أحمد زهوة و أحمد عناية، دار الكتاب العربى، بيروت، بى تا.

بغدادى، محمد بن حبيب، المحبر، مطبعة الدائرة، بى جا، ۱۳۶۱ق.

—، المنمق، تحقيق: خورشيد أحمد فاروق، بى جا، بى تا.

بلاذرى، احمد بن يحيى، أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلى، دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۷ق.

—، فتح البلدان، تحقيق: صلاح الدين المنجد، مكتبة النهضة المصرية، قاهره، ۱۹۵۶.

پيرمراديان، مصطفى و عزتى، مهدى، «ساكنان مكه (تأملى بر چگونگى ساكنان مكه و ميزان جمعيت قريش در آستانه ظهور اسلام)»، تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامى، شماره ۱۴، ۱۳۹۳.

ثقفى، إبراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق: سيد جلال الدين حسيني ارموي، بى جا، بى تا.

جوهرى، احمد بن عبدالعزيز، السقيفة وفدك، تحقيق: محمد هادى امينى، دوم: شركة الكتبى، بيروت، ۱۴۱۳ق.

حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في أهل البيت (بعد ۴۷۰ق)، تحقيق: محمد باقر محمودى، اول: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران، ۱۴۱۱ق.

حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، دوم: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۲۲ق.

حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ۱۳۹۹ق.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، دار الکتب، بیروت، ۱۴۱۷ق.

خليفة بن خياط، تاريخ، تحقيق: مصطفى نجيب فواز، اول: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵ق.

_____، طبقات، تحقيق: سهيل ذكار، دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۴ق.

خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، تحقيق: شيخ مالك محمودی، پنجم: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۱ق.

دينوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقيق: عصام محمد الحاج علي، دوم: دار الكتب العلمية، بيروت، ۲۰۱۲.

ذهبی، محمد بن احمد، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق: دکتر عمر عبدالسلام تدمری، دار الكتاب العربي، بيروت، ۱۴۰۹ق.

زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قريش، دار المعارف، قاهره، بی تا.

زركلی، خيرالدين، الأعلام، پنجم: دار العلم للملايين، بيروت، ۱۹۸۰.

سليم بن قيس هلالی، كتاب سليم، تحقيق: محمد باقر انصاری، پنجم: دليل ما، قم، ۱۴۲۸ق.

سمعانی شافعی، أبوسعید عبدالکريم بن محمد، الأنساب، تعليق: عبدالله عمر البارودي، اول: دار الجنان، بيروت، ۱۴۰۸ق.

سيف بن عمر، الفتنة ووقعة الجمل، جمع و تصنيف: أحمد راتب عرموش، هفتم: دار النفائس، بيروت، ۱۴۱۳ق.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنّف، تحقيق: حبيب الرحمن اعظمی، منشورات المجلس العلمي، بيروت، بی تا.

_____، تفسير القرآن، تحقيق: مصطفى مسلم محمد، مكتبة الرشد، رياض، ۱۴۱۰ق.

طبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدی عبدالمجيد، دوم: دار إحياء التراث العربي، بيروت، بی تا.

طبرسی، حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، اول: الاعلمي، بيروت، ۱۴۱۵ق.

طبری، محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، دوم: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۰۸ق.

طبسی، نجم الدين، ناگفته‌هایی از سقیفه، اول: دليل ما، قم، ۱۳۹۵.

عزيزی، نبی الله و جباری، محمدرضا، «معیارشناسی نظام کارگزاری خلفای سه گانه»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، سال شانزدهم، شماره ۱، ۱۳۹۸.

فاکھی، محمد بن إسحاق، أخبار مكة، تحقيق: عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، الشريف الرضي، بی جا، بی تا.

قاضی نعمان، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، دوم: مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ق.

قرشی، عبدالرحمن بن عبدالله، فتوح مصر وأخبارها، تحقیق: محمد الحجیری، اول: دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۶ق.

قرطبی، محمد بن حمد، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق: أحمد عبدالعلیم البردونی، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۵ق.

کحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب، دوم: دار العلم للملايين، بیروت، ۱۳۸۸ق.

کردی، رضا، «بررسی مقایسه‌ای نقش دو تیره بنی فهر در تحولات صدر اسلام (با تکیه بر عملکرد صحابی‌ان آن‌ها)»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۹، ۱۳۹۳.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، پنجم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۳ق.

کورانی، علی، صراع قریش مع النبی ﷺ، دار المهدی، قم، ۱۴۲۷ق.

—، جواهر التاريخ، اول: دار الهدی، قم، ۱۴۲۵ق.

مادلونگ، ویلفرد، جانشینی حضرت محمد ﷺ، ترجمه: احمد نمایی، محمد جواد مهدوی و دکتر حیدر رضا ضابط، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۶.

مزی، جمال‌الدین یوسف، تهذیب الکیمال فی أسماء الرجال، تحقیق: بشار عواد، چهارم: الرسالة، بیروت، ۱۴۰۶ق.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسة آل البيت ﷺ، دار المفید، بیروت، ۱۴۱۴ق.

مونس، حسین، تاریخ قریش، ترجمه: علیرضا شیخی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۵.

نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دوم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۲.

نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۴ق.

وات، مونتجمری، محمد فی مکة، ترجمه: عبدالرحمن عبدالله الشیخ حسین عیسی، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، ۲۰۰۲.

واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: دکتر مارسدن جونز، سوم: دانش اسلامی، بیروت، ۱۴۰۵ق.

—، الردة، تحقیق: یحیی جیوری، اول: دار الغرب الإسلامي، بیروت، ۱۴۱۰ق.

—، فتح الشام، دار الجلیل، بیروت، بی تا.

هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸ق.

یعقوبی، أحمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، دار صادر، بیروت، بی تا.